

بررسی موانع فردی و خانوادگی مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی روستا (مورد مطالعه: شهرستان هرسین - دهستان شیرز)

حسین آگهی^{۱*}، اکرم بینائیان^۲ و صابر فتاحی^۳

تاریخ دریافت: ۱ اسفند ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش: ۲۷ بهمن ۱۳۹۵

چکیده

امروزه زنان در بسیاری کشورهای جهان، به‌ویژه در برخی موارد، از دخالت در سیاست و نقش‌های اجتماعی محروم شده‌اند به طوری که هنوز زنان از جایگاه لازم در مشارکت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار نیستند. هدف مطالعه حاضر، بررسی موانع فردی و خانوادگی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در دهستان شیرز شهرستان هرسین بوده است. به لحاظ روش‌شناسی، این تحقیق پیمایشی و از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری، زنان بالای شش سال دهستان شیرز بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۳۳۳ نفر تعیین و با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن و تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شد. نتایج نشان داد که مشارکت سیاسی زنان مورد مطالعه در سطح متوسط و مشارکت اجتماعی آن‌ها در سطح بالا قرار دارد. همچنین نتایج نشان داد که به ترتیب اهمیت، باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی، عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران، مشکلات و ضعف جسمانی، حجم زیاد فعالیت زنان در داخل منزل، حجم زیاد فعالیت در بخش کشاورزی و دامداری، پذیرش مقام تحت سلطه، نداشتن تجربه در امور سیاسی و اداری و عدم تمایل زنان نسبت به مردان به مدیریت، موانع اصلی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان بودند.

کلمات کلیدی: پدرسالاری، دهستان شیرز، موانع خانوادگی، موانع فردی

۱- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی

۲- دانشجوی دکتری توسعه روستایی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی

۳- دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه ایلام

*- نویسنده مسئول: hosseinagahi@razi.ac.ir

مقدمه

طی چند دهه گذشته جامعه زنان تحولاتی را از سر گذرانده است. با افزایش آگاهی و گسترش آموزش عالی، آن‌ها توانمندی‌های خود را ارتقاء داده‌اند و دیگر نمی‌توان زنان را در حاشیه مناسبات سیاسی - اجتماعی نگه داشت. اکنون آن‌ها خواهان پایگاه‌هایی هستند تا به موقعیت‌های بهتری دست یابند. با این وجود علی‌رغم ارتقاء آگاهی‌های اجتماعی و دانش و مهارت‌های تخصصی، هنوز هم زنان سهم قابل توجهی در سطوح مختلف مدیریتی کشور ندارند. طبق آخرین آمار منتشره از سوی سازمان ملل (۲۰۰۸)، سهم زنان ایران در مدیریت و قانون‌گذاری کشور ۱۶ درصد اعلام شده است. این در حالی است که کشورهایی چون فیلیپین، آنگولا، جزایر کایمان و مغولستان به ترتیب ۵۸ درصد، ۵۲ درصد، ۵۱ درصد و ۵۰ درصد بالاترین سهم را دارند. در جولای ۲۰۰۸ تنها در پنج کشور، سهم زنان در مدیریت و قانون‌گذاری ۵۰ درصد و بالاتر بوده است. پایین‌ترین سهم متعلق به کشور پاکستان با سه درصد، قطر پنج درصد، عمان و عربستان سعودی نه درصد و امارات متحده عربی هشت درصد است. رتبه‌جهانی ایران در میان ۱۲۰ کشور مورد بررسی ۱۰۱ تعیین شده است که نشان‌دهنده جایگاه نامناسب زنان در برنامه‌ریزی ملی می‌باشد (خباززاده، ۱۳۹۰). امروزه زنان در ایران خواهان آن هستند که در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های ملی حضور جدی و فعال داشته باشند، چراکه حضور زن در جامعه و افزایش مشارکت اجتماعی - سیاسی او یک امر واقع و مقبول است.

آنچه مسلم است این که امروزه زنان در برخی موارد به گونه‌ای به حوزه زندگی خصوصی یعنی خانواده رانده شده و از دخالت در سیاست و نقش‌های اجتماعی محروم شده‌اند. البته در برخی موارد کوشش‌های جنبش‌های فمینیستی بی‌نتیجه نبوده و در تغییر نگرش‌ها و اصلاح بینش‌ها نسبت به مشارکت زن تأثیر زیادی داشته است اما هنوز زنان از جایگاه لازم در مشارکت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار نشده‌اند و در برخی جوامع به گونه‌ای مورد طرد نهادهای سیاسی رسمی واقع گردیده‌اند و مشارکت آن‌ها هنوز در بسیاری از جوامع مورد پذیرش واقع نشده است. چنین تبعیضی در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری با شدت بیشتری محرز شده است. چراکه زنان روستایی به‌طور عمده قدرت سیاسی و اجتماعی لازم را در مناطق روستایی نداشته‌اند و همین امر باعث کم‌رنگ شدن نقش آن‌ها در انعکاس فعالیت‌های آن‌ها شده و در نهایت به چشم‌پوشی از نقش حیاتی و اساسی آن‌ها در فعالیت‌های توسعه انجام شده است (خباززاده، ۱۳۹۰). بی‌اهمیتی به نقش زنان به‌عنوان نیمی از منابع انسانی هر جامعه و عدم برنامه‌ریزی اصولی برای زمینه‌سازی حضور مؤثر آنان در فرایند توسعه روستاها، دستاوردی جز بر هم خوردن توازن و تعادل توسعه نخواهد داشت. لذا مطالعه و بررسی موانع مشارکت فعال زنان به‌عنوان پنجاه درصد از دارایی‌های ارزشمند انسانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در بررسی مفهوم مشارکت سیاسی و اجتماعی، تعاریف متعددی وجود دارد. معمولاً زمانی که تعریف‌های متعددی از مفهومی وجود داشته باشد. دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی^۱ در مقاله مشارکت به‌صورت مشارکت سیاسی

فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌گذاری عمومی تعریف شده است. مشارکت سیاسی تمام فعالیت‌های قانونی شهروندان غیر حکومتی است که کم و بیش قصد دارند به‌طور مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا اعمال آن‌ها اثر گذارند (ماکلوسکی^۱، ۱۹۶۸). میل برات^۲ (۱۹۸۱) هم مشارکت سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند: مشارکت سیاسی رفتاری است که اثر می‌گذارد و یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد. به نظر می‌رسد که با توجه به تمام مواردی که ذکر شد، تعریف فوق به لحاظ کلی بودن آن می‌تواند انتخاب‌کرد. با اینکه تعریف در سال‌های پیش بیان شده، ولی قابلیت علمی آن تا همین اواخر نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

مشارکت اجتماعی از دوپست سال پیش در نظام‌های سیاسی و اجتماعی جوامع غرب راه یافت، اما توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال گذار، تا حد بسیار زیادی پس از شکست راه‌کارها و برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که از غرب وارد این کشورها شده بود، متجلی شد. در بررسی و ارزیابی این برنامه‌ها عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی، به‌عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است، بنابراین از آن پس در استراتژی‌های توسعه بر رویکرد مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی از نیازهای اصلی بشر تأکید شده است (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳). در تعریفی دیگر مشارکت اجتماعی نوعی فرآیند تعاملی چند بعدی است که افراد به‌طور آگاهانه، داوطلبانه و سازمان یافته با در نظر گرفتن هدف‌های معین که منجر به بهره‌مند شدن از منافع جمعی می‌شوند انجام می‌دهند (توکل و ناصری‌راد، ۱۳۹۰).

در زمینه موانع مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان روستایی در سطح روستاهای کشور ما، تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعه رضوی الهاشم (۱۳۸۸) اشاره کرد. وی موانع مشارکت زنان را عواملی از جمله تمایل کمتر زنان نسبت به مردان به مدیریت، فقدان اعتماد به نفس زنان، تبعیض‌های سازمانی و شرکتی، نگرش‌های منفی جامعه نسبت به زنان شاغل، فعالیت‌های خانه‌داری زنان، درک جامعه نسبت به توان کمتر زنان در برقراری ارتباطات بر می‌شمارد. رضوی الهاشم (۱۳۸۸)، سقف شیشه‌ای^۳ را مانع مشارکت سیاسی و دخالت زنان در امور اجتماعی می‌داند. وی بیان می‌کند که سقف شیشه‌ای نگرش‌ها و تعصبات منفی است که مانع از آن می‌شود که زنان و گروه‌های اقلیت و رای یک سطح خاص در سلسله مراتب سازمانی بروند. میرک‌زاده و علی‌آبادی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در روستای حسین‌آباد شهرستان کنگاور به این نتیجه رسیدند که اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت، تربیت فرزندان، بی‌سوادی یا کم‌سوادی زنان، عدم رضایت همسر برای حضور در برنامه‌های آموزشی و ترویجی و تمسخر و ایراد اهالی از جمله مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در این روستا هستند (میرک‌زاده و علی‌آبادی، ۱۳۸۹). نتایج کار پژوهشی با عنوان تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه نشان داد که زنان در فعالیت‌هایی از جمله پرورش دام و احشام و مراحل کاشت و داشت با مردان همکاری می‌کنند اما هیچ دسترسی به درآمد و یا حتی به وام‌ها ندارند و زنان به‌صورت محدودی در تصمیم‌گیری‌ها

1- Macclosky

2 - Millbrath

3- Glass Ceiling

مشارکت دارند (علی بیگی و همکاران، ۱۳۸۶).

عنابستانی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی رابطه ویژگی‌های فردی زنان و مشارکت آنان در فرایند توسعه روستایی دهستان درزاب شهرستان مشهد به این نتیجه رسیدند که بین سن زنان و درآمد ماهیانه آنان با انواع مشارکت رابطه معناداری وجود دارد (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۱). نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸) هم‌ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، اعتماد، سن و رسانه‌های گروهی را در میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شمارند. بگ رضایی (۱۳۸۷) هم به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان شهرستان ایلام پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مشارکت سیاسی زنان ایلامی در سطح پایینی بوده به طوری که ۵۹ درصد زنان مورد مطالعه مشارکت سیاسی خیلی کمی داشته‌اند. وی موانع حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی را عواملی از جمله تعداد زیاد فرزندان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، تأهل، انگیزه نیاز به پیشرفت، میزان نقش زن در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، شاغل بودن، کاربرد بیشتر رسانه‌ها، پایبندی به اعتقادات مذهبی و دینی، نگرش فرد به سیاست، نگرش والدین به سیاست و نگرش دوستان به سیاست برشمارد.

ترکی هرچگانی و غفاری (۱۳۹۰) طی مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و دختران در توسعه مناطق روستایی بخش فارس استان چهارمحال و بختیاری پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که در چهار روستای بالای ۱۰۰۰ خانوار بخش فارس، عامل افزایش سطح سواد بر مشارکت زنان روستایی در امور توسعه تأثیر مثبت دارد. همچنین بین درون‌گرا بودن روستاییان و کاهش مشارکت رابطه معنی‌داری وجود داشت. بین موقعیت شغلی، افزایش درآمد، آگاهی زنان از مشارکت و تمایل زنان و دختران روستایی با میزان مشارکت زنان روستایی رابطه معنی‌داری دیده شد.

نتیجه مطالعات خانی و احمدی (۱۳۸۸) نشان داد که با ارتقاء سطح تحصیلات زنان روستایی، انتظارات آن‌ها از مشارکت در تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد. ویسی و بادسار (۱۳۸۲) در بررسی عوامل مؤثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت‌های روستایی استان کردستان نشان دادند که ویژگی‌های خانوادگی، مؤثرترین عامل در تبیین نقش‌هایی است که زنان ایفاء می‌کنند و ویژگی‌های فردی در رتبه دوم قرار دارد. رحمان خان و آرا^۱ (۲۰۰۶) پدرسالاری، آموزش و پرورش و عدم همکاری مردان در جوامع محلی با زنان را از موانع مهم اثربخشی زنان در فرایند تصمیم‌گیری بر می‌شمارند. آکارو^۲ و همکاران (۲۰۱۰) هم به مطالعه موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشور تانزانیا پرداختند و عواملی از جمله سن، محل اقامت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و مذهب را مهم‌ترین موانع مشارکت زنان عنوان کردند.

بررسی مطالعات فوق‌الذکر، نشان داد که عمده عوامل بازدارنده زنان از مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی، نگرش‌های حاکم بر جامعه در مورد زنان و توانایی‌های آن‌ها، باورهای زنان از توانایی‌های خود، تعدد وظایف زنان

1- Rahman Khan and Ara

2- Akarro

نسبت به مردان و ویژگی‌های فرهنگی حاکم بر جامعه بوده است. موانع فوق‌الذکر در جوامع کوچک به‌ویژه جوامع روستایی به‌دلیل ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم، به‌صورت برجسته‌تری خود را نشان می‌دهد. از این‌رو، پژوهش حاضر سعی دارد با رویکردی جدید ارتباط موانع فردی و خانوادگی را با میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان روستایی، مورد بررسی قرار دهد. این ارتباط در چارچوب نظری تحقیق (شکل ۱) نشان داده شده است. مورد مطالعه حاضر، دهستان شیرز واقع در شهرستان هرسین یکی از شهرهای استان کرمانشاه می‌باشد که تحقیقات محلی انجام شده توسط محققین، بیانگر پایین بودن سطح مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در روستاهای دهستان مذکور بوده است. امید است با انجام تحقیق حاضر، زمینه لازم برای رفع موانع مشارکت زنان به‌عنوان قشر تأثیرگذار در توسعه جامعه فراهم شود.

سوال‌های اصلی در تحقیق حاضر این است که میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان دهستان شیرز به چه میزان است؟ و این که موانع فردی و خانوادگی به چه میزان تبیین‌کننده سطح مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان است؟ و فرضیه‌های تحقیق عبارت است از این که بین موانع فردی و خانوادگی با میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.



شکل ۱- چارچوب نظری تحقیق

مواد و روش‌ها

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی محسوب می‌شود و از نظر هدف کاربردی است چرا که هدف تحقیق، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. روش این تحقیق بر اساس چگونگی به‌دست آوردن داده‌های مورد نیاز (طرح تحقیق)، تحقیقی توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری مطالعه حاضر، زنان بالاتر از شش سال است که در دهستان شیرز شهرستان هرسین واقع در استان کرمانشاه سکونت دارند که شامل ۲۴۹۵ نفر بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱). حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (نادری و سیف نراقی، ۱۳۹۰)، ۳۳۳ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری به دلیل عدم توازن حجم جامعه‌آماري در بین روستاهای دهستان، از نوع طبقه‌ای با انتساب متناسب بوده و انتخاب نمونه‌ها در هر طبقه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شده است (جدول ۱).

برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای مشتمل بر چند بخش تنظیم شد. بخش اول پرسشنامه مربوط به ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای، بخش دوم مربوط به گویه‌های سنجش میزان مشارکت سیاسی، بخش سوم گویه‌های سنجش مشارکت اجتماعی، بخش چهارم گویه‌های مربوط به موانع فردی و خانوادگی مشارکت بوده است. گویه‌های سنجش سطح مشارکت اجتماعی و سیاسی و گویه‌های مربوط به سنجش موانع فردی و خانوادگی از مطالعات پیشینه استخراج شد.

برای تعیین قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه، با استفاده از نرم‌افزار SPSS16 ضریب آلفای کرونباخ بخش‌های مختلف ۳۰ پرسشنامه تکمیل شده پیش‌آزمون محاسبه شد که به ترتیب برای بخش‌های دوم، سوم و چهارم، ۰/۸۳، ۰/۸۵ و ۰/۷۰ به‌دست آمد که گویای مناسب بودن ثبات ابزار تحقیق است. برای تعیین اعتبار یا روایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش اعتبار محتوا^۱ از نقطه نظرات اساتید و دانشجویان دوره دکتری گروه تربیج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی استفاده شد و اصلاحات لازم اعمال شد.

برای اندازه‌گیری میزان تأثیر موانع فردی و خانوادگی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان از رگرسیون چندگانه استفاده شد. جهت بررسی آماره‌های هم‌خطی از آماره‌های تولرانس و VIF استفاده شده است. وقتی که هیچ یک از متغیرهای مستقل مدل، هیچ‌گونه وابستگی خطی با سایر متغیرهای مستقل ندارند، ضریب تعیین برای همه آن‌ها یک خواهد شد و بنابراین عامل تورم واریانس به ازای تمام متغیرهای مستقل مقدار ۱ را اختیار خواهد نمود. مقادیر بالای ۱۰ برای آماره VIF نشان‌دهنده وجود رابطه هم‌خطی زیاد بین متغیرهای مستقل است که مشکل جدی به وجود می‌آورد. یکی دیگر از مفروضاتی که در رگرسیون مدنظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. به‌منظور بررسی استقلال خطاها در رگرسیون از آزمون دوربین-واتسون استفاده می‌شود. مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۴ تا صفر متغیر است و مقادیر

بین ۱/۵ تا ۲/۵ نشان دهنده پذیرفته شدن فرض استقلال بین خطاها است.

جدول ۱- توزیع حجم نمونه به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای

ردیف	نام روستا(دهستان شیرز)	حجم جامعه(زنان بالای ۶ سال)	حجم نمونه
۱	پشت تنگ چناران	۴۱	۶
۲	چشمه بیگی	۹۹	۱۳
۳	چپر	۹۳۲	۱۲۴
۴	سرماج کرمی	۲۷	۴
۵	سیردوله	۴۸	۶
۶	شمس آباد	۳۳	۴
۷	عزیزآباد	۱۶۴	۲۲
۸	قلعه محمدعلی	۶۳	۹
۹	گرمیانک	۱۳۷	۱۸
۱۰	سرماج حسین خانی	۵۹۹	۸۰
۱۱	شادآبادسقلی	۱۴۷	۲۰
۱۲	شادآبادعلیا	۱۲۹	۱۷
۱۳	علی آباد	۷۶	۱۰
	جمع	۲۴۹۵	۳۳۳

مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)

نتایج و بحث

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد حدود دو سوم از زنان مورد مطالعه (۶۳ درصد) را افراد متأهل و مابقی را دختران تشکیل دادند. متوسط سن ازدواج در بین زنان ۱۷ سال بود که نشان از پایین بودن سن ازدواج در بین زنان روستایی دهستان شیرز داشت. بیشتر زنان مورد مطالعه (۴۹ درصد) دارای سطح تحصیلاتی در سطح ابتدایی و یا حتی بی‌سواد بودند. شغل بیشتر آن‌ها (۶۲ درصد) خانه‌داری و سطح درآمد ماهیانه بیشتر زنان (۸۱ درصد) صفر و یا کمتر از ۲۰۰ هزار تومان بود. از نظر میزان مالکیت زنان بر اموال، تنها مالکیت آن‌ها بر طلا و جواهرات قابل توجه بوده (۶۰ درصد) در صورتی که مالکیت بر ماشین‌آلات سبک و سنگین (۳۴ درصد)، منازل مسکونی (۱۹ درصد)، باغ (۱۰ درصد) و به‌ویژه زمین زراعی (۷ درصد) درصد چندانی را به خود اختصاص نداد. اغلب زنان مورد مطالعه (۷۵ درصد) میزان تجربه خود را در کارهای گروهی و مشارکتی سطح روستا کمتر از یک سال اظهار داشتند. میزان دسترسی جامعه مورد مطالعه به وسایل ارتباط جمعی و اولویت‌بندی آن نشان داد که رسانه تلویزیون به‌عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباطی برای زنان مورد مطالعه مطرح بوده و پس از آن تلفن همراه و در مراتب بعدی کتاب، مجله، رادیو، اینترنت و روزنامه قرار گرفت. تعداد اندکی از زنان مورد مطالعه (۸۶ درصد) تمایل خود را به انجام برخی امور سیاسی از جمله دهیار شدن و یا عضویت در شورای اسلامی روستا ابراز کردند و بیشتر آن‌ها تمایلی به انجام این کارها نداشتند. برای سنجش میزان مشارکت زنان در امور سیاسی، بر اساس مطالعه پیش‌نگاشته‌ها از ۷ گویه استفاده شد. میانگین کلی سطح مشارکت سیاسی ($M=2/88$)، نشان از مشارکت زنان در سطح متوسط داشت. میانگین به-دست آمده به‌وسیله هر گویه هم در جدول ۲ گزارش شده است. برای سنجش میزان مشارکت اجتماعی زنان مورد

مطالعه از ۱۰ گویه مطابق با مندرجات جدول ۳ استفاده و سطح مشارکت اجتماعی آن‌ها در سطح زیاد ارزیابی شد (M=۳/۴۰).

جدول ۲- میزان مشارکت زنان در امور سیاسی روستا

انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها	
۱/۱۷	۳/۲۰	میزان مشارکت در انتخابات	۱
۱/۳۵	۲/۷۲	میزان مشارکت برای رعایت سیاست‌های دولت	۲
۱/۱۹	۲/۰۷	میزان مشارکت برای ارائه گزارش مشکلات به مسئولین	۳
۱/۱۵	۲/۸۲	میزان مشارکت با سازمان‌ها و نهادهای دولتی	۴
۱/۰۴	۳/۵۷	میزان همکاری با دهیاری‌ها و شورای اسلامی روستا در صورت اعلام نیاز به همکاری	۵
۱/۱۶	۲/۸۰	میزان مشارکت داوطلبانه در کمک‌رسانی به دهیار	۶
۱/۱۳	۲/۹۳	میزان مشارکت داوطلبانه در کمک‌رسانی به اعضای شورای اسلامی روستا	۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق طیف لیکرت (خیلی کم: ۱؛ کم: ۲؛ متوسط: ۳؛ زیاد: ۴؛ خیلی زیاد: ۵)

جدول ۳- میزان مشارکت زنان در امور اجتماعی روستا

انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها	
۱/۰۰	۱/۷۵	میزان مشارکت در فعالیت‌های عمرانی (ساخت و ساز) روستا	۱
۱/۰۹	۳/۸۴	میزان مشارکت در حفظ محیط زیست و منابع طبیعی روستا	۲
۰/۹۳۱	۴/۰۲	میزان مشارکت در حفظ نظافت محیط روستا	۳
۱/۲۹	۳/۷۰	میزان مشارکت برای حفظ بناهای تاریخی و آثار باستانی روستا	۴
۱/۲۸	۳/۲۶	میزان مشارکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی	۵
۰/۹۴	۴/۰۷	میزان همکاری و مشارکت برای حفظ روستا و روستاییان در صورت بروز اتفاقاتی مثل سیل و زلزله و بیماری‌ها	۶
۱/۳۲	۲/۹۶	میزان مشارکت برای تأسیس کتابخانه در روستا	۷
۱/۱۵	۳/۸۳	میزان مشارکت برای تأسیس مسجد یا حسینیه در روستا	۸
۱/۳۳	۲/۹۷	میزان مشارکت برای تأسیس مراکز ورزشی در روستا	۹
۱/۱۸	۳/۵۳	میزان مشارکت برای تأسیس صندوق‌های اعتباری خرد در روستا	۱۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق طیف لیکرت (خیلی کم: ۱؛ کم: ۲؛ متوسط: ۳؛ زیاد: ۴؛ خیلی زیاد: ۵)

مطابق با جدول ۴، آزمون مقایسه میزان مشارکت زنان بر حسب طبقات تحصیلی مختلف معنی‌دار شده است. بدین معنی که زنان در طبقات مختلف تحصیلی در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی مشارکت متفاوتی دارند. برای مشخص شدن محل دقیق تفاوت‌ها از آزمون تعقیبی دانکن استفاده شد (جدول ۵). مطابق آزمون دانکن، تفاوت معنی‌داری بین میزان مشارکت زنان در سطوح تحصیلی دیپلم و دبیرستان (گروه ۱)، بی‌سواد، فوق دیپلم و ابتدایی (گروه ۲)، لیسانس و بالاتر و راهنمایی (گروه ۳) وجود داشت.

جدول ۴- مقایسه میزان مشارکت زنان بر حسب طبقات تحصیلی زنان

منابع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
میانگین بین گروه‌ها	۱۵/۱۶	۶	۲/۵۲	۵/۷۵	۰/۰۰
میانگین درون گروه‌ها	۱۴۳/۳۹۶	۳۲۶	۰/۴۴		
جمع	۱۵۸/۴۵۵	۳۳۲			

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵- آزمون دانکن

طبقه تحصیلی	تعداد	سطح آلفا = ۰/۰۵		
		۱	۲	۳
بی‌سواد	۷۱	۲/۸۶		
ابتدایی	۹۴	۲/۸۸		
دبیرستان	۱۶	۳/۰۰		
فوق دیپلم	۶	۳/۰۳		
دیپلم	۴۹	۳/۲۲		
لیسانس و بالاتر	۶۱	۳/۴۰		
راهنمایی	۳۶	۳/۵۱		
سطح معنی داری		۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۱۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، ضرایب همبستگی اسپیرمن بین تمامی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته محاسبه شد. خلاصه نتایج بررسی روابط همبستگی بین مسائل فردی و عدم مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جدول ۶ گزارش شده است. نتایج نشان داد که بین متغیرهای پذیرش مقام تحت سلطه به‌وسیله زنان، نداشتن تجربه در انجام امور سیاسی و اداری، مشکلات و ضعف جسمانی، حجم زیاد فعالیت در بخش کشاورزی و دامداری، عدم تمایل زنان نسبت به مردان به مدیریت، تجارب ناموفق زنان در انجام امور روستا، باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی، عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران و فقدان اعتماد به نفس در زنان (اعتماد به نفس خود ارزیابی) با میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه منفی و معنی دار داشت. به عبارتی افزایش و تقویت هر یک از موانع فوق میزان مشارکت زنان را کاهش می‌دهد. از طرفی بین متغیر سن و سطح تحصیلات با متغیر وابسته رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. بدین معنی که هر چقدر سن زنان و سطح تحصیلات آن‌ها بالاتر می‌رود مشارکت هم بیشتر می‌شود.

نتایج حاصل از ضرایب همبستگی بین متغیرهای مسائل خانوادگی با میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جدول ۷ آمده است. بین متغیرهای حجم زیاد فعالیت زنان در داخل منزل و نارضایتی پدر و همسر با متغیر وابسته رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. به عبارتی افزایش حجم فعالیت زنان در داخل منزل منجر به کاهش مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان می‌شود. افزایش نارضایتی پدر و همسر هم اثری کاهنده بر مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان دارد. متغیرهای تعداد اعضای خانواده و ازدواج زودرس (سن ازدواج) با متغیر وابسته رابطه مثبت و معنی دار دارد. به

عبارتی افزایش تعداد اعضای خانوار و افزایش سن ازدواج زنان، میزان مشارکت آن‌ها را کاهش می‌دهد.

برای اندازه‌گیری میزان تأثیر موانع فردی و خانوادگی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان از رگرسیون چندگانه استفاده شد. بررسی آماره‌های هم‌خطی از جمله تولرانس و VIF^1 در جدول ۸ نشان می‌دهد اختلاف بین میزان تخمین زده شده و مقدار واقعی ضرایب رگرسیون استاندارد شده زیاد نیست. مقادیر این آماره برای اکثریت متغیرهای مستقل تحقیق حاضر بین یک تا دو به‌دست آمده است که نشان می‌دهد مشکلی برای انجام محاسبات وجود ندارد.

جدول ۶- نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای مسائل فردی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان

ردیف	متغیر اول	متغیر دوم	مقدار r
۱	پذیرش مقام تحت سلطه به‌وسیله زنان	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۲۶**
۲	نداشتن تجربه در انجام امور سیاسی و اداری	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۲۰**
۳	مشکلات و ضعف جسمانی	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۲۹**
۴	حجم زیاد فعالیت در بخش کشاورزی و دامداری	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۲۳**
۵	تجارب ناموفق زنان در انجام امور روستا	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۲۴**
۶	باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۵۷**
۷	اشتغال به تحصیل دختران	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۰۰
۸	عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۳۷**
۹	بی‌سوادی و نداشتن تحصیلات کافی	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	۰/۱۳*
۱۰	عدم تمایل زنان نسبت به مردان به مدیریت	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۲۲**
۱۱	فقدان اعتماد به نفس در زنان (اعتماد به نفس خود ارزیابی)	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۳۹**
۱۲	عدم وجود تمایل به پیشرفت	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۰۴
۱۳	سن	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	۰/۱۹**
۱۴	تجربد	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	۰/۰۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق * معنی‌دار در سطح خطای ۰/۰۵، ** معنی‌دار در سطح خطای ۰/۰۱

جدول ۷- نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای مسائل خانوادگی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان

ردیف	متغیر اول	متغیر دوم	مقدار r
۱	حجم زیاد فعالیت زنان در داخل منزل	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۳۰**
۲	زمان بر بودن پرورش و ترتیب فرزندان	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۰۴
۳	نارضایتی پدر و همسر	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۱۸**
۴	تعداد اعضای خانواده	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	۰/۱۹**
۵	عدم حمایت و پشتیبانی پدر و همسر	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	-۰/۰۱
	ازدواج زودرس (سن ازدواج)	مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی	۰/۱۳*

مأخذ: یافته‌های تحقیق * معنی‌دار در سطح خطای ۰/۰۵، ** معنی‌دار در سطح خطای ۰/۰۱

همچنین طبق مندرجات جدول ۸ مقدار آماره دوربین- واتسون برای مدل رگرسیونی، $1/63$ به دست آمده است که نشان می‌دهد باقیمانده‌ها در رگرسیون مستقل هستند.

پس از ورود متغیرهای مستقل به معادله خط رگرسیون از روش گام به گام، ۸ گام مهم این معادله مشخص شد که نتایج در جدول ۸ گزارش شده است. طبق نتایج به دست آمده، به ترتیب اهمیت، عوامل باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی، عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران، مشکلات و ضعف جسمانی، حجم زیاد فعالیت زنان در داخل منزل، حجم زیاد فعالیت در بخش کشاورزی و دامداری، پذیرش مقام تحت سلطه، نداشتن تجربه در امور سیاسی و اداری و عدم تمایل زنان نسبت به مردان به مدیریت در مجموع توانستند ۶۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی نمایند.

با توجه به نتایج به دست آمده معادله رگرسیون به صورت زیر خواهد بود:

$$Y = a + b_1X_1 + b_2X_2 + b_3X_3 + b_4X_4 + b_5X_5 + b_6X_6 + b_7X_7 + b_8X_8 \quad (1)$$

$$Y = 5/546 - 0/07 X_1 - 0/44 X_2 - 0/23 X_3 - 0/35 X_4 - 0/21 X_5 - 0/18 X_6 - 0/1 X_7 - 0/07 X_8$$

جدول ۸- مراحل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام

مراحل	متغیرهای وارد شده به معادله	ضرایب b	Beta	t	AdjR ²	F	آماره هم خطی Tolerance	VIF
گام اول	عدد ثابت	۳/۹۶	-	۴۶/۸۵**				
	باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی	-۰/۲۷	-۰/۵۸	-۱۰/۳۷**	۰/۳۴	۹۷/۴۳**	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
گام دوم	باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی	-۰/۲۴	-۰/۵۱	-۸/۸۱**	۰/۴۱	۹۵/۴۶**	۰/۹۹۸	۱/۰۰۲
	عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران	-۰/۲۹	-۰/۲۷	-۴/۷۱**			۰/۹۹۸	۱/۰۰۲
گام سوم	باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی	-۰/۲۱	-۰/۴۵	-۷/۸۳**	۰/۴۷	۵۲/۹۵**	۰/۹۸۱	۱/۰۲۰
	عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران	-۰/۲۹	-۰/۲۸	-۵/۰۱**			۰/۹۸۷	۱/۰۱۴
	مشکلات و ضعف جسمانی	-۰/۱۵	-۰/۲۴	-۴/۲۹**			۰/۹۷۱	۱/۰۳۰
گام چهارم	باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی	-۰/۱۵	-۰/۳۴	-۵/۶۵۸**	۰/۵۱	۴۹/۸۸**	۰/۷۰۶	۱/۴۱۶
	عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران	-۰/۴۰	-۳۷۸۰	-۶/۵۷۹**			۰/۹۳۴	۱/۰۷۱
	مشکلات و ضعف جسمانی	-۰/۱۶	-۰/۲۵	-۴/۸۳**			۰/۶۸۶	۱/۴۵۸
	حجم زیاد فعالیت زنان در داخل منزل	-۰/۱۸	-۰/۲۶	-۴/۵۱**			۰/۵۵۹	۱/۷۹۰

ادامه جدول ۸

مراحل	متغیرهای وارد شده به معادله	ضرایب b	Beta	t	AdjR ²	F	آماره هم خطی Tolerance	VIF
گام پنجم	باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی	-۰/۱۲	-۰/۲۶	-۴/۶۲**	۰/۵۸	۵۱/۸۸**	۰/۵۸۲	۱/۷۱۷
	عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران	-۰/۴۴	-۰/۴۲	-۷/۸۱**				۱/۲۲۵
	مشکلات و ضعف جسمانی	-۰/۲۱	-۰/۳۴	-۶/۶۱**				۱/۵۷۷
	حجم زیاد فعالیت زنان در داخل منزل	-۰/۲۷	-۰/۳۹	-۶/۵۹**				۱/۸۶۱
گام ششم	حجم زیاد فعالیت در بخش کشاورزی و دامداری	-۰/۲۲	-۰/۲۹	-۵/۳۶**	۰/۶۰۷	۴۸/۳۴۸**	۰/۶۹۸	۱/۴۳۳
	باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی	-۰/۰۹	-۰/۲۱	-۳/۶۰**				۱/۷۸۵
	عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران	-۰/۴۲	-۰/۴۰	-۷/۶۱*				۱/۲۲۶
	مشکلات و ضعف جسمانی	-۰/۲۴	-۰/۳۸	-۷/۳**				۱/۶۳۲
گام هفتم	حجم زیاد فعالیت زنان در داخل منزل	-۰/۳۰	-۰/۴۳	-۷/۳۷**	۰/۶۲	۴۳/۵**	۰/۴۲۹	۱/۳۳۳
	حجم زیاد فعالیت در بخش کشاورزی و دامداری	-۰/۱۹	-۰/۲۴	-۴/۵۴**				۱/۵۶۰
	پذیرش مقام تحت سلطه	-۰/۲۴	-۰/۱۹	-۳/۶۲**				۱/۹۱۴
	باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی	-۰/۰۸	-۰/۱۷	-۲/۹۵**				۲/۰۵۹
گام هشتم	عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران	-۰/۴۳	-۰/۴۱	-۷/۸۹*	۰/۶۳	۳۹/۸۶**	۰/۷۱۴	۱/۴۰۱
	مشکلات و ضعف جسمانی	-۰/۲۱	-۰/۳۴	-۶/۴۰**				۱/۸۲۵
	حجم زیاد فعالیت زنان در داخل منزل	-۰/۳۱	-۰/۴۵	-۷/۸۲**				۲/۳۵۷
	حجم زیاد فعالیت در بخش کشاورزی و دامداری	-۰/۱۸	-۰/۲۳	-۴/۵۰**				۱/۶۲۱
نتایج سنجش میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان نشان داد که میزان مشارکت سیاسی زنان در حد متوسط و سطح مشارکت اجتماعی آن‌ها در سطح زیاد است. از طرفی بیشترین سطح مشارکت سیاسی در مواردی از جمله همکاری با دهیاری و شورای اسلامی روستا و مشارکت در انتخابات بوده است و کمترین مشارکت سیاسی زنان در زمینه مشارکت برای ارائه گزارش مشکلات روستا به مسئولین مربوطه تعیین شد. بیشترین مشارکت اجتماعی زنان نیز	عدد ثابت (a)	۵/۵۴	-	۲۴/۸۷**	۰/۶۳	۳۹/۸۶**	۰/۵۲۲	۱/۷۱۹
	باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی (X1)	-۰/۰۷	-۰/۱۶	-۲/۸۲**				۲/۰۶۳
	عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران (X2)	-۰/۴۴	-۰/۴۲	-۸/۱۶*				۱/۴۰۴
	مشکلات و ضعف جسمانی (X3)	-۰/۲۳	-۰/۳۷	-۶/۸۴**				۱/۸۳۱
	حجم زیاد فعالیت زنان در داخل منزل (X4)	-۰/۳۵	-۰/۵۱	-۸/۱۹**				۲/۴۱۰
	حجم زیاد فعالیت در بخش کشاورزی و دامداری (X5)	-۰/۲۱	-۰/۲۷	-۵/۰۱**				۱/۶۶۶
	پذیرش مقام تحت سلطه (X6)	-۰/۱۸	-۰/۱۵	-۲/۵۷*				۲/۹۴۶
	نداشتن تجربه در امور سیاسی و اداری (X7)	-۰/۰۱	-۰/۱۵	-۲/۹۶**				۱/۹۲۷
عدم تمایل زنان نسبت به مردان به مدیریت (X8)	-۰/۰۷	-۰/۱۳	-۲/۲۹*	۱/۰۲۵				

مأخذ: یافته‌های تحقیق Durbin-Watson=631/1 *معنی‌دار در سطح خطای ۰/۰۵، ** معنی‌دار در سطح خطای ۰/۰۱

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج سنجش میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان نشان داد که میزان مشارکت سیاسی زنان در حد متوسط و سطح مشارکت اجتماعی آن‌ها در سطح زیاد است. از طرفی بیشترین سطح مشارکت سیاسی در مواردی از جمله همکاری با دهیاری و شورای اسلامی روستا و مشارکت در انتخابات بوده است و کمترین مشارکت سیاسی زنان در زمینه مشارکت برای ارائه گزارش مشکلات روستا به مسئولین مربوطه تعیین شد. بیشترین مشارکت اجتماعی زنان نیز

در زمینه حفظ روستا و روستاییان در برابر حوادث غیر مترقبه از جمله سیل، زلزله و بیماری‌ها بوده، در حالی که کمترین مشارکت اجتماعی آن‌ها در زمینه فعالیت‌های عمرانی و ساخت و ساز روستا بوده است. عدم بالابودن سطح مشارکت سیاسی زنان دور از انتظار نبوده، چراکه مطالعات بسیاری پایین بودن سطح مشارکت سیاسی زنان را در منطقه خاورمیانه نشان داده است (حافظیان، ۱۳۸۸، آکارو و همکاران، ۲۰۱۰).

بین متغیر پذیرش مقام تحت سلطه به وسیله زنان با متغیر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. پذیرش مقام تحت سلطه می‌تواند ناشی از دستیابی محدودتر زنان نسبت به مردان به منابع مالی و اطلاعات باشد. رحمان‌خان و آرا (۲۰۰۶) معتقدند نبودند. اعتماد به نفس و در نتیجه عدم دستیابی به منابع، به دلیل وجود فرهنگ پدرسالاری و مردسالاری ظاهر می‌شود. به عبارتی وجود فرهنگ پدرسالاری و به ویژه طبیعی شمردن آن باعث می‌شود زنان همواره خود را در وضعیتی فرودست نسبت به مردان ببینند. در این راستا، پیشنهاد می‌گردد به منظور ایجاد تغییر نگرش در دیدگاه‌های متعصبانه و غلط راجع به زنان، ابتدا باید یک تغییر و تحول در دیدگاه خود زنان ایجاد شود. نخست باید ذهن زنان را به گونه‌ای بازسازی کرد تا آن که هر زنی ارزش و توانایی‌اش را تشخیص دهد، فشارهای پدرسالارانه را از ذهن خود بردارد و دیگر خود را ضعیف و وابسته نپندارد. در واقع زنان باید از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های خودآگاه شوند و با اعتماد به نفس و با اتکاء به خودشان برای خودشکوفایی خود گام بردارند.

نداشتن تجربه در انجام امورسیاسی و اداری تأثیری منفی و معنی‌دار بر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان دارد. قابل‌ذکر است که بخش اعظمی از بی‌تجربگی زنان در این زمینه نه فقط به علت عدم تمایل آن‌ها بلکه به دلیل عدم‌آگاهی و عدم وجود شرایط لازم بوده است. عدم بسترسازی مناسب برای حضور و مشارکت فعال زنان به وسیله سازمان‌های دولتی و غیردولتی، زنان را بیش از پیش به وادی فراموشی سپرده است. از این‌رو پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی بیشتری هم در قالب کلاس آموزشی و ترویج در سطح روستا و هم در رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون در زمینه اشکال مختلف مشارکت سیاسی، اجتماعی و تشویق زنان به کارهای جمعی، به اجرا درآید و سطح آگاهی افراد را در خصوص شیوه‌های مختلف مشارکت ارتقاء دهد.

وجود رابطه منفی و معنی‌دار بین متغیر مشکلات و ضعف جسمانی با متغیر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی محرز شده است. در مطالعات بسیاری از جمله مطالعات خباززاده (۱۳۹۰) و پاسبان (۱۳۸۸)، پایین بودن ضریب سلامت به‌عنوان مانع مشارکت زنان مطرح شده است.

حجم زیاد فعالیت زنان در بخش کشاورزی و دامداری منجر به کاهش میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی آن‌ها شده است. تعداد زنانی که در روستاهای دهستان شیرز در کارهای کشاورزی و دامداری مشارکت دارند فراتر از تعدادی است که از این دو حرفه به‌عنوان شغل خود یاد کرده‌اند. به عبارتی بیشتر زنان مورد مطالعه به نحوی در کمک‌رسانی به همسران خود به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در این فعالیت‌ها درگیر هستند. انجام امور فوق در کنار وظایف دیگر، زمان و فرصت انجام کارهای گروهی و سیاسی را از زنان سلب کرده است. پاسبان (۱۳۸۸) نیز از این عامل به عنوان مانع فردی مشارکت زنان در توسعه روستایی یاد می‌کند.

بین متغیر تجارب ناموفق زنان در انجام امور روستا با متغیر وابسته میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. یکی از عواملی که زنان مورد مصاحبه به عنوان مانع مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی عنوان کرده‌اند، تجارب ناموفق زنان در گذشته نه چندان دور بوده که ترس از شکست و مورد سرزنش قرار گرفتن از طرف مردان را در زنان روستا ایجاد کرده است. وجود باورهای خرافی و فرهنگ سنتی مبنی بر مذموم و ناپسند بودن حضور زن در جامعه و برچسب‌های ناروا زدن به زنانی که در فعالیت‌های اجتماعی حضور فعال دارند و همسو دانستن حضور سیاسی با فساد و انحرافات، همگی موانعی هستند که مانع حضور موفق زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۸).

متغیر باور زنان به ناتوانی خود در انجام امور سیاسی نیز منجر به کاهش میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی آن‌ها شده است. به عبارتی باور زنان نسبت به توانمندی‌های خود در امور سیاسی به نحو معنی‌داری بر مشارکت سیاسی آن‌ها مؤثر است. زیرا شناخت خصوصیات، توانایی‌ها و پتانسیل موجود در خود باعث می‌شود که زنان در همه زمینه‌ها به مردان وابسته نباشند، در نتیجه این اعتماد به نفس می‌تواند مسئولیت‌ها و پست‌های کلیدی جامعه را به عهده گیرند و در امور سیاسی جامعه مشارکت فعالی داشته باشند. این نتیجه تأییدکننده نتایج مطالعه خباززاده (۱۳۹۰) است.

عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران تأثیری کاهنده و معنی‌دار بر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان دارد. وجود نگرش‌های سنتی در روستا در زمینه حضور زنان در احزاب و تشکل‌ها، مانع از حضور مؤثر آن‌ها در چنین اجتماعاتی شده است. نتیجه چنین نگرشی، ایجاد حس ترس و اضطراب در زنان در مواقع حضور در جمع، صحبت کردن و اظهار نظر بوده و به منزوی شدن بیش از پیش زنان منتهی شده است.

سطح تحصیلات زنان با میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. پایین بودن سطح سواد، علاوه بر مشکلات فراوان منجر به عدم اعتماد به نفس، احساس حقارت، کناره‌گیری و خود کم‌بینی می‌شود (پاسبان، ۱۳۸۸). از طرفی زنان تحصیل کرده و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای بالاتر، با احتمال بیشتری واجد ایستارهای مشارکت‌جویانه هستند (آکارو و همکاران، ۲۰۱۰؛ خانی و احمدی، ۱۳۸۸؛ آلموند و پاول، ۱۳۸۰؛ صمدی‌راد، ۱۳۸۵). بین متغیر عدم تمایل زنان نسبت به مردان به مدیریت با متغیر وابسته میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. رضوی الهاشم (۱۳۸۸) به وجود این رابطه دست‌یافته و معتقد است زنان نسبت به مردان تمایل کمتری به انجام امور سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهند و همین عامل در کنار گذاشته شدن آن‌ها در صحنه‌های مختلف تأثیرگذار بوده است. زمانی که زنان آمادگی و تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی از خود نشان می‌دهند، در عمل نیز فعالیت سیاسی بیشتری انجام می‌دهند (آل غفور و کاشف الغطاء، ۱۳۸۸). در همین راستا ترکی هرچگانی و غفاری (۱۳۹۰) نیز تمایل زنان و دختران را عامل مهمی در مشارکت آن‌ها عنوان می‌کنند. تشویق و معرفی زنان روستایی که در امور روستا مشارکت فعال و موفقیت‌آمیز داشته‌اند، می‌تواند انگیزه زنان روستا را برای مشارکت افزایش دهد.

فقدان اعتماد به نفس در زنان (اعتماد به نفس خود ارزیابی)، به‌عنوان یکی دیگر از موانع فردی مشارکت زنان شناخته شد. به عبارتی با کم‌شدن اعتماد به نفس در زنان، کاهش مشارکت آن‌ها اجتناب‌ناپذیر بوده است (رضوی

الهاسم، ۱۳۸۸). طبق نظریه هانتینگتون و نلسون وجود نگرش مثبت نسبت به توانایی‌های خود زمینه را برای ایجاد قدرت تأثیرگذاری و احساس توانمندی فراهم می‌کند و در نتیجه تمایل فرد را برای مشارکت سیاسی و اجتماعی افزایش می‌دهد (بگ رضایی، ۱۳۸۷).

متغیر سن نیز با متغیر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. بدین معنی که با افزایش سن، تمایل زنان برای مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی افزایش می‌یابد. یکی از دلایل آن را می‌توان محدودیت‌های موجود در محیط روستا برای حضور دختران و زنان جوان در عرصه اجتماع دانست. در بسیاری مطالعات، عامل سن به‌عنوان عاملی مؤثر در میزان مشارکت زنان مطرح شده و بیان شده است که زنان با افزایش سن، حضور بیشتری در عرصه فعالیت‌ها پیدا می‌کنند (لییست و دوز، ۱۳۷۳). پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های آموزشی و ترویجی مناسبی برای خانواده‌های روستایی به ویژه مردان روستا در نظر گرفته شود که فواید مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان به ویژه قشر جوان تشریح گردد تا توجه شوند که افزایش مشارکت زنان و دختران در نهایت به نفع روستا و خانواده‌های روستایی خواهد بود.

حجم زیاد فعالیت زنان مورد مطالعه در داخل منزل منجر به کاهش مشارکت آن‌ها شده است. به بیانی دیگر، عدم تمایل خانواده به از دست دادن نیروی کاری داخل خانه به‌عنوان مانعی در برابر مشارکت و حضور فعال زنان در جامعه مطالعاتی مطرح است. این نتیجه در راستای نتایج مطالعه خباززاده (۱۳۹۰) است که بالا رفتن حجم فعالیت‌ها و مسئولیت‌های زنان را در داخل خانه، مانع حضور و فعالیت بیرون از خانه آن‌ها و مانع مشارکت در عرصه‌های عمومی می‌داند. برخی رهبران سیاسی مرد و نخبگان شعلی نیز اظهار نموده‌اند که زنان برای نقش‌های رهبری بخش‌های دولتی و یا خصوصی مناسب نیستند چراکه آن‌ها به دلیل مسئولیت‌های درون خانواده در دسترس نمی‌باشند (ترو^۱، ۱۹۹۸).

بین متغیر نارضایتی پدر و همسر با متغیر وابسته میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. عدم رضایت پدر و یا همسر از فعالیت زنان در امور اجتماعی و سیاسی روستا و از طرفی رفتار متعهدانه زنان در قبال پدر و همسر خود مانع مشارکت زنان می‌شود. این نتیجه تأییدکننده نتایج پاسبان (۱۳۸۸) و میرک‌زاده و علی‌آبادی (۱۳۷۹) است. نتایج به‌دست آمده اهمیت نقش و تأثیر عوامل خانوادگی را بر فعالیت و مشارکت‌جویی فردی نشان می‌دهد. خانواده به‌عنوان اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی دارای اهمیت شایان توجهی است. از این رو تغییر نگرش سنتی خانواده‌ها نسبت به دختران برای تحقق شرایط یکسان تربیتی و پرورشی در خانواده ضرورت دارد. نقش والدین در توزیع عادلانه امکانات بین فرزندان پسر و دختر از نظر تغذیه، بهداشت و درمان، تحصیل و تربیت اجتماعی و آموزش‌های سیاسی می‌تواند در ایجاد زمینه جامعه‌پذیری سیاسی به دور از تبعیض بین فرزندان از تأثیر به‌سزایی برخوردار باشد. در این راستا می‌توان به نقش خانواده به‌عنوان نقش پایه‌ای و نخستین نهاد جامعه‌پذیرکننده اشاره کرد. بنابراین، اگر خانواده‌ها بتوانند سطح آگاهی خود را ارتقاء دهند در

این صورت می‌توان انتظار داشت که در آینده شاهد مشارکت بالای زنان در حیطه‌های گوناگون در جامعه باشد و این امر بیش از همه متأثر از شکل‌گیری رفتارهای مشارکتی و تعاملات همکاری جویانه در خانواده خواهد بود. جهت حل این مشکل، اجرای برنامه‌های فرهنگی با هدف تغییر نگرش اعضای خانواده، برای سازگار دیدن مشارکت سیاسی با شأن زنان قابل توصیه است.

تعداد اعضای خانواده با میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه معنی‌دار و مثبت دارد. این نتیجه بدان معنی است که افزایش تعداد اعضای خانوار، میزان مشارکت زنان را در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی افزایش می‌دهد. بسیاری از زنان مورد مطالعه اذعان داشته‌اند که تعدد اعضای خانواده راهی را برای واگذاری بخشی از مسئولیت‌های خانه به دیگران ایجاد کرده و در نتیجه با تقسیم‌کار، فرصت حضور در جامعه برای بیشتر اعضای خانواده فراهم می‌شود.

سن ازدواج زنان متأهل در جامعه مطالعاتی رابطه مثبت و معنی‌دار با میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی آن‌ها دارد. یعنی با افزایش سن ازدواج، مشارکت زنان افزایش می‌یابد. ازدواج زود هنگام یکی از مسائلی است که در جامعه مورد مطالعه به وفور مشاهده می‌شود که خود می‌تواند یکی از دلایل مورد توجه در بالانبودن سطح مشارکت سیاسی این جامعه تلقی گردد.

در مجموع، می‌توان استنباط کرد که پایین بودن سطح مشارکت زنان در محدوده مورد مطالعه، ریشه در تفکرات کلیشه‌ای اعضای خانواده و نگرش‌ها و باورهای زنان روستایی دارد و دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد باید سیاست‌هایی اتخاذ کنند که علاوه بر توجه به نقش زنان در عرصه‌های مختلف، تدابیری جهت حل مشکلات فرهنگی موجود اندیشیده شود.

منابع

- احمدی، س. م. ۱۳۸۸. مشارکت سیاسی زنان در ایران، غرب و اسلام. پژوهشنامه زنان و توسعه، ۴۲: ۱۵۶-۱۱۷.
- آل غفور، س. م. و کاشف‌الغطاء، ف. ۱۳۸۸. تأثیر شرایط اجتماعی-اقتصادی بر مشارکت سیاسی زنان در ایران. علوم اجتماعی، ۲۰: ۱۸۶-۱۴۹.
- طیب، ع. ر. (ترجمه). ۱۳۸۰. مشارکت و حضور شهروندان. آلموند، ج. ا. و پاول، ج. ب. تهران.
- بگ رضایی، پ. ۱۳۸۷. بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان شهرستان ایلام. علوم اجتماعی، ۲۰: ۷۲-۵۴.
- پاسبان، ف. ۱۳۸۸. نقش زنان در توسعه روستایی. پژوهشنامه زنان و توسعه، ۴۲: ۱۱۶-۸۳.
- ترکی هرچگانی، م. و غفاری، س. ر. ۱۳۹۰. بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و دختران در توسعه مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری (مطالعه موردی: روستاهای بخش فارسان). مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۲:

۱۰۹-۱۳۰.

- توکل، م. و ناصری راد، م. ۱۳۹۰. نقش عامل مشارکت اجتماعی در ابتلاء به سرطان در مراجعه‌کنندگان به انستیتو کانسر تهران. مجله پژوهشی حکیم، ۱۴: ۱۴۳-۱۳۷.
- حافظیان، م.ح. ۱۳۸۸. زنان و توسعه پایدار: نگاهی مقایسه‌ای به جهان اسلام. پژوهشنامه زنان و توسعه، ۴۲: ۵۶-۱۱.
- خانی، ف. و احمدی، م. ۱۳۸۸. تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستای چیر- یامچی شهرستان زنجان). پژوهش زنان، ۴: ۱۱۳-۹۵.
- خباز زاده، ن. ۱۳۹۰. موانع مشارکت زنان در توسعه روستایی. ماهنامه دهیاری‌ها، ۳۳: ۱۲-۱۵.
- رضوی الهاشم، ب. ۱۳۸۸. تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی، اجتماعی انقلاب اسلامی ایران. علوم اجتماعی، ۲۱: ۶۰-۷۳.
- صمدی‌راد، ا. ۱۳۸۵. مکانیسم‌های ارتقای مشارکت زنان در ابعاد اقتصادی و سیاسی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵: ۱۲۲-۹۹.
- علی بیگی، ا.ح.، زرافشانی، ک. و اولایی، س. ۱۳۸۶. تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه. مطالعات زنان، ۵: ۸۹-۱۱۱.
- عناستانی، ع. ا. جوان، ج. و احمد زاده، س. ۱۳۹۱. بررسی رابطه ویژگی‌های فردی زنان و مشارکت آنان در فرایند توسعه روستایی. فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۱ (۱۹۰): ۸۲-۹۸.
- لییست م. و دوز، ر. ۱۳۷۳. جامعه‌شناسی سیاسی. فرجاد ح. انتشارات توس. تهران. ۴۳۸ص.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۱. سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۱. قابل دسترسی در: www.amar.org.ir، آخرین دسترسی: ۲ بهمن ۱۳۹۲.
- میرک زاده، ع. و علی آبادی وحید، ش. ع. ۱۳۸۹. واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی. روستا و توسعه، ۲: ۱۴۷-۱۶۵.
- نادری، ع. و سیف نراقی، م. ۱۳۹۰. روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی). نشر ارسباران. تهران.
- نوروزی، ف. ا. و بختیاری، م. ۱۳۸۸. مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. راهبرد، ۵۳: ۲۶۹-۲۴۹.
- وحید، ف. و نیازی، م. ۱۳۸۳. تأملی در مورد رابطه بین ساختار و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان. علوم اجتماعی،

۲۳: ۱۴۶-۱۱۷.

ویسی، ه. و بادسار، م. ۱۳۸۲. بررسی عوامل مؤثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیتهای روستایی: مطالعه موردی استان کردستان. روستا و توسعه، ۳۲: ۴۳-۱۹.

Akarro R R, Mussa A S and Losindilo E .2010. Some Factors That Hinder Women Participation in Social, Political and Economic Activities in Tanzania. *Arts and Social Sciences Journal*. ASSJ, 4: 1-10.

Macclosky, H .1968. Political participation. *International Encyclopedia of social science*, 12: 252-253.

Millbrath, L .1981. Political participation. *Hand book of political behavior*, 4: 197-237.

Nelson, J .1987. Political participation. Understanding political development. London.

Rahman Khan, M. and Ara, F .2006. Women participation and empowerment in local government. *Asian Affairs*, 1: 00-73.

True, J .1998. Gender mainstreaming and trade governance in the Asia-pacific economic cooperation frum(APEC). In G.waylan and S. Rai eds. *Global governance: Feminist prespectives*. Newyork: palgrave

A Study of individual and family barriers to women's political and social participation: evidence from Shirez district in Harsin city

Hossein Agahi^{1*}, Akram Binaian² and Saber Fatahi³

Submitted: 20 February, 2016

Accepted: 15 February, 2017

Abstract

Today, in many countries of the world, in some cases women are barred from interfering in politics and social roles. Thus, still it is necessary to place women in political, social, economic and cultural activities. The purpose of this study is to examine individual and family barriers to women's political and social participation of the Shirez District in the city of Harsin. The research methodology used is descriptive-correlation and it is carried out by using a survey. The statistical population included the women older than 6 years in the Shirez District. A sample size of 333 person was determined by using the Kerejcie and Morgan table. They have been selected using the convenience sampling method with proportional assignment. Data analysis was done by using the Spearman coefficient and multiple regression analysis. The results showed that the political participation of women is in the medium level and their social participation is in the high level. Also, the results indicated that women believe that they are not able to participate in political affairs. The inability to communicate with others, the physical weakness and other problems, high volume of activities of women at home, high volume of activities in the agricultural sector and livestock, accepting dominance, lack of experience in political and administrative affairs and unwillingness of women compared to men in management are the main barriers of the political and social participation of rural women.

Keywords: Shirez District, Patriarchy, Family Barriers, Individual Barriers

1 - Associate Professor of Agriculture Extension and Education, Agriculture College, Razi University, Iran.

2 - Ph.D. student of Rural Development, Agriculture College, Razi University, Iran.

3 - Ph.D. student of Agriculture Extension and Education, Agriculture College, Ilam University, Iran.

(*-Corresponding author E-mail: hosseinagahi@razi.ac.ir)

DOI: 10.22048/rdsj.2017.68147.1611